

پروژه باستان‌شناسی دشت مهران:

## زیستگاه‌های دوران آغاز شهرنشینی و شهرنشینی<sup>۱</sup>

اردشیر جوانمردزاده

دانشجوی دکتری پیش از تاریخ دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه.  
Ardashir.javanmard@gmail.com

دکتر حجت دارابی

دکتری پیش از تاریخ دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه.

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۲

(از ص ۸۱ تا ۹۶)

### چکیده

طی فروردین ماه سال ۱۳۸۹، بررسی باستان‌شناسی دشت مهران با هدف بازبینی بررسی‌های پیشین و به منظور شناسایی و ثبت محوطه‌های پیش از تاریخی مشهود انجام شد. پرسش و هدف اصلی از انجام بررسی، شناسایی و ارزیابی پراکندگی مکانی محوطه‌های پیش از تاریخ و بررسی و تحلیل این الگو به منظور ایجاد بستر برای مطالعات دقیق و گسترده باستان‌شناسی است. همان‌طور که انتظار می‌رفت، قابلیت‌های پیش از تاریخی دشت بالا بود، به طوری که، تعداد ۳۶ محوطه باستانی اعم از محوطه باز، پناهگاه صخره‌ای و تپه شناسایی و ثبت شد؛ از بین محوطه‌های شناسایی شده تعداد ۱۵ محوطه مربوط به دوران پیش از تاریخ (روستانشینی تا شهرنشینی) می‌باشند که در این مقاله به بحث در مورد دوره‌های زیست‌گاهی این محوطه‌ها طی دوران آغاز شهرنشینی و شهرنشینی پرداخته می‌شود. در مجموع می‌توان ۶ محوطه را به دوران آغاز شهرنشینی و ۹ محوطه را به دوران شهرنشینی نسبت داد. بررسی‌های انجام یافته در این محوطه‌ها حاکی از برهم‌کنش جوامع پیش از تاریخ دشت مهران با فرهنگ‌های پیش از تاریخی خوزستان، دهلران و بین‌النهرین هستند. الگوی پراکندگی محوطه‌های شناسایی شده در دوران آغاز شهرنشینی، ظهور و وجود یک مرکز بزرگ در دشت را برای اولین بار نشان می‌دهد که در دوره پسین یعنی شهرنشینی به مرکزی بسیار بزرگ تبدیل می‌شود. از زیستگاه‌های شناسایی شده مدارک قوی دال بر تولید انبوه سازمان‌یافته و تخصصی به دست آمده است. در این نوشتار ضمن معرفی محوطه‌های منسوب به دوران آغاز شهرنشینی و شهرنشینی و ویژگی‌شان، به الگوی پراکندگی و کارکردشان نیز توجه شده است. در پایان نیز با بررسی و برآورد داشته‌ها، راه‌کارها و نقطه نظرانی برای مطالعات تکمیلی و دقیق‌تر آینده پیشنهاد شده است.

### کلیدواژگان:

بررسی باستان‌شناسی، دشت مهران، دوران آغاز شهرنشینی، دوران شهرنشینی، الگوی استقرار.

۱. به دلیل حجم زیاد، محوطه‌های منسوب به اواسط هزاره هفتم تا اواخر هزاره پنجم پ.م در مقاله‌ای دیگر بحث شده است، لذا در این مقاله تنها زیستگاه‌های منسوب به هزاره چهارم پ.م و اوایل هزاره سوم پ.م بحث شده‌اند.

## مقدمه

دشت مهران، هر چند در استان ایلام در غرب کشور واقع شده است، اما از لحاظ زمین‌ریخت‌شناسی و فرهنگی بخشی از جنوب‌غربی ایران است (ملک شه‌میرزادی ۱۳۷۸: ۵۱۸-۴۹۹؛ Moghaddam 2012:5). برخلاف دیگر بخش‌های جنوب‌غربی ایران که بیشترین بررسی‌های فشرده باستان‌شناسی خاورمیانه در آنها انجام شده است (Moghaddam and Miri 2003:99)، دشت مهران (تا پیش از بررسی حاضر) هنوز به‌طور روش‌مند و پرسش‌محور بررسی نشده و از نقطه نظر مطالعات باستان‌شناسی منطقه‌ای ناشناخته باقی‌مانده بود؛ این امر ناشی از مشکلات سیاسی پیش و پس از انقلاب اسلامی (مانند جنگ تحمیلی) می‌باشد؛ این در حالی است که مطالعات پراکنده در خود دشت و دشت‌های مجاور حاکی از اهمیت بی‌بدیل آن در برهم‌کنش جوامع پیش از تاریخ منطقه است. موقعیت جغرافیایی دشت مهران که در حد فاصل دشت بین‌النهرین و دشت‌های دهلران و شوشان قرار گرفته، از آن پلی ارتباطی بین این مناطق ساخته است (Alizadeh 2001). مدارک باستان‌شناسی منتشر شده از مناطق هم‌جوار حکایت از نقش کلیدی دشت مهران در برهم‌کنش‌های پیش از تاریخی این جوامع است (علیزاده ۱۳۸۲؛ Hole 1977:6-264; Wright 1981:6-264; Alizadeh 2001; Moghaddam 2012). بنابراین، با هدف انجام اولین مطالعه روش‌مند محوطه‌های پیش از تاریخی، پروژه باستان‌شناسی دشت مهران (The Archaeological Project of the Mehrān Plain, APMP)، با بررسی فشرده و پیمایشی دشت در فروردین ماه ۱۳۸۹ آغاز شد. این بررسی با هدف پاسخ به پرسش‌های زیر آغاز گردید:

- همان‌طور که امکانات زیست محیطی دشت نشان می‌دهد، آیا میزان و الگوی پراکنش زیستگاه‌های پیش از تاریخی همین میزانی است که از بررسی‌های انجام شده پیشین می‌دانیم؟
- شروع و پایان استقرار در زیستگاه‌های پیش از تاریخ دشت چه بازه زمانی را در بر می‌گیرد؟
- فرهنگ‌های پیش از تاریخی دشت چه برهم‌کنشی با محیط انسانی و طبیعی پیرامون داشته‌اند؟
- در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش‌هایی فرض‌هایی مطرح شده و بر آن شدیم تا با انجام بررسی آن‌ها را به آزمون بگذاریم. این فرض‌ها عبارتند از:
  - با توجه به پتانسیل طبیعی و جغرافیایی دشت مهران به‌نظر می‌رسد که با یک بررسی روش‌مند بتوان تعداد بیشتری زیستگاه پیش از تاریخی مشهود بر سطح شناسایی و ثبت کرد.
  - یکی از مهم‌ترین اهداف این بررسی بررسی دشت مهران در رابطه پدیده یانگرِ درای آس (Younger Dryas) و دوره آغاز نوسنگی است. به‌نظر می‌رسد با بررسی گام‌گام مناطق با قابلیت بالای شکل‌گیری محوطه‌های نوسنگی به‌توان زیستگاه‌های دوره نوسنگی (به‌ویژه دوره بی‌سفال) را شناسایی کرد (دارابی ۱۳۸۷).
  - نزدیکی مکانی با دشت‌های خوزستان، دهلران و بین‌النهرین از شرق و غرب و نیز ارتفاعات زاگرس در شمال، باعث شده است تا برهم‌کنش قوی و تاثیرگذار بین این مناطق در دوران پیش از تاریخ برقرار باشد. با بررسی روش‌مند دشت مهران زمینه برای بررسی سولاتی از قبیل وجود رد مهاجرت مردمان موسوم به فاز انتقالی چغامامی (Hole 1977:10-21)، (CMT) و یا بررسی وضعیت

ارتباط تجاری بین دشت‌های دهلران و بین‌النهرین (Wright 1981:264-6) فراهم می‌شود.

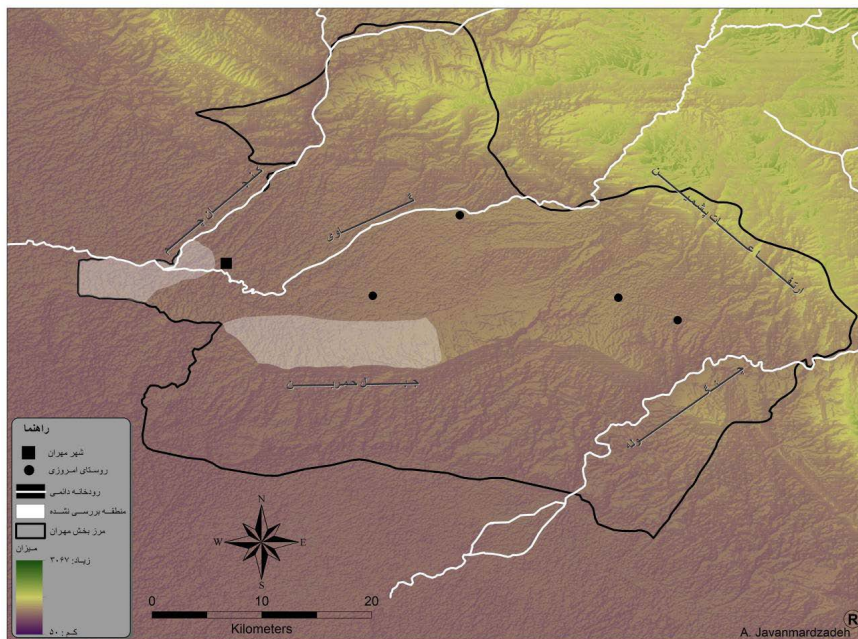
بررسی مورد بحث با پرسش‌ها و فرضیه‌های ذکر شده و اهدافی که در پایین می‌آید، منجر به شناسایی ۳۶ محوطه از دوران پارینه‌سنگی قدیم تا شهرنشینی منجر شد؛ محوطه‌های دوران پارینه‌سنگی در جای دیگری چاپ و انتشار یافته‌اند (دارابی و دیگران ۱۳۹۱؛ Darabi et al. 2012). در این مقاله، ضمن معرفی نتایج بررسی محوطه‌های مربوط به آغاز شهرنشینی و شهرنشینی در دشت مهران، نوسانات زیست‌گاهی آنها بحث شده است.

### پروژه باستان‌شناسی دشت مهران (APMP)

هدف از شروع و انجام این پروژه ارزیابی پتانسیل پیش از تاریخی دشت برای طراحی و انجام دیگر مراحل پروژه اعم از بررسی بیشتر، لایه‌نگاری و کاوش گسترده در محوطه‌های پیش از تاریخ بوده است. شوربختانه، به دلیل گسترش روزافزون کشاورزی پیشرفته و در پی آن خطر تسطیح محوطه‌های باستانی، ضرورت بررسی و مطالعه و ثبت سریع این محوطه‌ها امری انکارناپذیر است. با وجود مطالعات انجام شده ای که در بالا آمد، هنوز احساس می‌شد که پتانسیل باستان‌شناسی دشت بیشتر از آن چیزی است که شناسایی و مطالعه شده است؛ لذا تصمیم گرفته شد که دیگر بار و به صورت کاملاً روش‌مند و فشرده دشت مهران بررسی شده و بقایای پیش از تاریخی آن مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد، به طوری که بتوان با قطعیت هر چه بیشتری راجع به داشته‌های پیش از تاریخ اظهار نظر کرده و زمینه را برای مطالعه جامع جوامع پیش از تاریخ این دشت فراهم نمود. به همین منظور در فروردین ۱۳۸۹ دارابی و جوانمردزاده اقدام به بررسی خود دشت نمودند و همان طوری که انتظار می‌رفت نتایج قابل توجهی به دست آمد (Javanmardzadeh et al. In Press). طی این بررسی، در مجموع تعداد ۳۶ محوطه منسوب به دوران پارینه‌سنگی قدیم تا آغاز نگارش شناسایی شد که از این تعداد ۲۲ محوطه منسوب به دوران پارینه‌سنگی است که در جایی دیگر مطالعه و معرفی شده‌اند (دارابی و دیگران ۱۳۹۱؛ Darabi et al 2012). تعداد ۱۵ محوطه از محوطه‌های شناسایی شده نیز منسوب به دوران نوسنگی تا آغاز نگارش است (جدول شماره ۱ و ۲؛ نقشه شماره ۲)؛ شایان ذکر است که بر سطح یکی از محوطه‌های شناسایی شده (رم‌رَمه ۱ MS 023) تعدادی ادوات پارینه‌سنگی نیز شناسایی شد که بدین منظور این محوطه هم در آثار پارینه‌سنگی و هم پیش از تاریخ مطالعه و معرفی شده است.

شایان ذکر است که به دلیل محدودیت‌هایی از قبیل نبود بودجه، وجود مزارع کشاورزی و نیز آلوده بودن بخش‌هایی از دشت به بقایای انفجاری ناشی از دوران جنگ تحمیلی، امکان بررسی همه دشت وجود نداشت؛ لذا امید است در اولین فرصت این بررسی تکمیل می‌شود که در این صورت می‌توان با قطعیت در مورد آثار پیش از تاریخ قابل رویت در دشت مهران اظهار نظر کرد (نقشه شماره ۱).

در پی این بررسی، در پاییز ۱۳۸۹ و در ادامه پروژه، محوطه‌ی چغآهوان که طی بررسی به‌عنوان یکی از محوطه‌های کلیدی برای شناخت نوسانات زیست‌گاهی و ارایه جدول گاهنگاری بر اساس داده‌های مطلق، تشخیص داده شده بود،



**نقشه شماره ۱. موقعیت عناصر جغرافیایی دشت مهران و محدوده بررسی نشده که با رنگ سفید مشخص است (منبع: نگارندگان).**

لایه‌نگاری و تعیین حریم شد. طی این کاوش، لایه‌های فرهنگی مرتبط با اواخر هزاره ششم تا اوایل هزاره سوم پیش از میلاد در ۲ ترانشه مجزا و ۱۹ متر نهشته فرهنگی شناسایی و ثبت گردید. از این کاوش یافته‌های منحصر بفردی به دست آمده است که دال بر اهمیت دشت مهران در برهم‌کنش با مناطق هم‌جوار در دوره‌های ذکر شده است؛ نتایج این کاوش نیز در یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی کشور ارائه شده و به‌زودی چاپ خواهد شد.

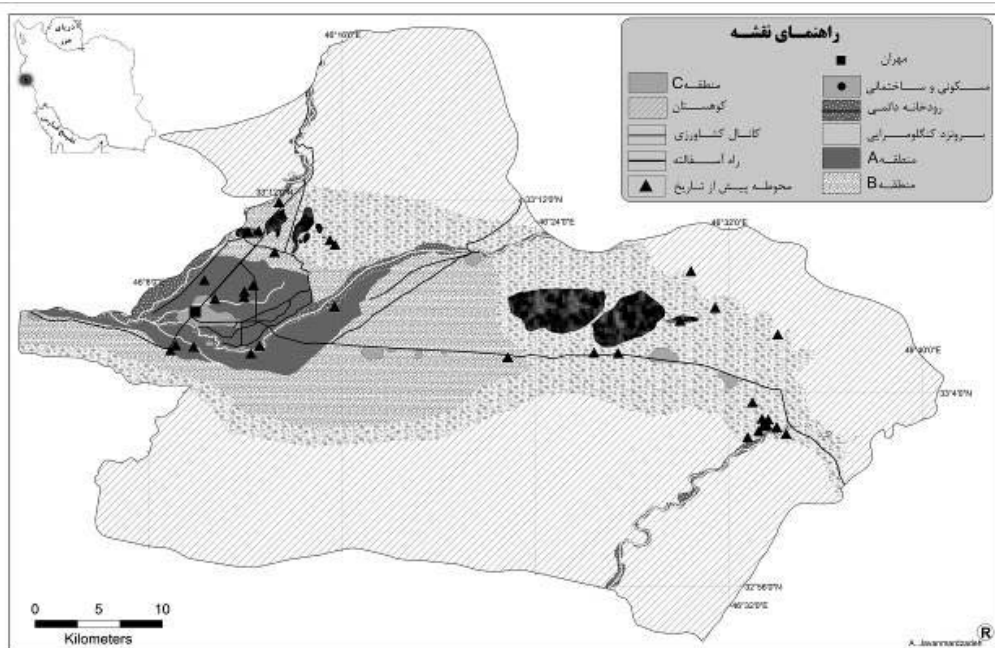
### دشت مهران

دشت مهران با کمی انحراف به سمت جنوب‌غرب، در جنوب استان ایلام و مجاورت دشت‌های دهلران در شرق، بین‌النهرین در غرب و جنوب‌غرب و مندلی در شمال‌غربی قرار گرفته است (نقشه شماره ۲). این دشت از شمال به کوه‌های پشمین (Pashmin)، از جنوب به جبال‌خمرین (Jebal-e Hamrin)، از غرب به کشور عراق و از شرق به کوه‌اناران و کرویدور طبیعی منتهی به دشت دهلران محدود شده است؛ با این وجود، از نقطه نظر فرهنگی و مطالعات باستان‌شناسی منتهی‌الیه شمال‌غربی خوزستان فرهنگی (ملک شه‌میرزادی ۱۳۷۸: ۵۱۸-۴۹۹) یا همان سوزیانای بزرگ (Kouchoukos 1998: 80; Moghaddam 2012: 1-3) به‌شمار می‌رود.

گستره دشت مهران حدود ۴۰۰ کیلومتر مربع و به‌صورت مستطیل شکل در جهت شرقی‌غربی می‌باشد که دارای ارتفاع متغیر از ۱۰۰ متر در منتهی‌الیه غربی و حدود ۴۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد در منتهی‌الیه شرقی است. رودخانه‌های اصلی دشت که دایمی بوده و نقشی کلیدی را در برپایی زیست‌گاه‌های دشت ایفا کرده‌اند به ترتیب عبارتند از: رود کنجان‌چم (Konjān Cham)، گاوی (Gāvi) و چنگوله (Changouleh)؛ رود کنجان‌چم که از ارتفاعات کبیرکوه در شمال‌شرقی دشت مهران سرچشمه می‌گیرد، پس از طی مرز شمال‌غربی دشت، در غرب دشت به رودخانه گاوی می‌ریزد. در واقع همین رودخانه است که سرحد شمال‌غربی

دشت را محدود کرده و خط‌القعر آن مرز کنونی ایران و عراق را تشکیل می‌دهد. رودخانه گاوی نیز به مانند کُنجان‌چَم از ارتفاعات کبیرکوه سرچشمه گرفته و از شرق وارد دشت شده و پس از طی طول شرقی‌غربی دشت، در غرب به رودخانه کُنجان‌چَم ملحق شده و سپس این دو به خاک کشور عراق می‌ریزند. دیگر رودخانه دایمی دشت، چنگوله است که به مانند رودخانه‌های گاوی و کُنجان‌چَم، از ارتفاعات کبیرکوه در شمال‌غربی خود سرچشمه گرفته و در منتهی‌الیه شرقی دشت به خاک کشور عراق می‌ریزد. این رودخانه به دلیل خواص زمین ریختی خاص، دارای بستری است که در آن زمینه رسوب‌گذاری نداشته و به کشور عراق می‌ریزد.

بر اساس ویژگی‌های ریخت‌شناسی و نیز کاربری اراضی، دشت مهران به ۳ بخش قابل تقسیم است: «الف» (A)، «ب» (B)، «ج» (C). در منطقه «الف» یا A که دارای کم‌ترین ارتفاع از سطح آب‌های آزاد است در قسمت غربی دشت واقع شده و منطقه آب‌رفتی ناشی از رسوب‌گذاری رودخانه‌های گاوی و کُنجان‌چَم است (نقشه شماره ۲). ارتفاع این بخش از دشت بین ۱۰۰ تا ۱۸۰ متر از سطح آب‌های آزاد متغیر است و بیشترین تعداد محوطه‌های پیش از تاریخ در این بخش از دشت واقع شده اند. همان‌طوری که از رسوبی بودن این بخش بر می‌آید، مناسب‌ترین بخش برای کشاورزی است، چنان‌که امروزه نیز برای اهداف کشاورزی مورد استفاده است. دیگر بخش، بخش «ب» است که بین بخش‌های «الف» در غرب و «ج» در شرق و در ارتفاع تقریبی ۱۸۰ تا ۲۵۰ متر از سطح آب‌های



آزاد قرار دارد. این بخش همان‌طوری که از موقعیتش بر می‌آید منطقه‌ای بینابینی است که هم برای کشاورزی و هم برای چرای دام مناسب است. به دلیل غنی نبودن رسوبات همانند بخش «الف»، از لحاظ کشاورزی بازدهی کم‌تری دارد و به دلیل گسترش کشاورزی مدرن، امروزه مناطق با قابلیت مرتع آن به تدریج به کشاورزی تغییر کاربری یافته است. همانند بخش «الف»، این بخش نیز از

▲ **نقشه شماره ۲.** موقعیت دشت مهران در ایران، ترکیب کاربری بخش‌های مختلف دشت و الگوی پراکندگی محوطه‌های شناسایی شده طی بررسی ۱۳۸۹ (منبع: نگارندگان).



ردیف	کد بررسی	نام محوطه	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	ارتفاع از آبهای آزاد ( متر )	ابعاد (متر)
۱	MS 001	چم پاپی (Cham-e Papi)	۶۴۴۴۲۴	۳۶۵۶۳۶۳	۲۹۴	۷۰×۷۰
۲	MS 019	رضاآباد (Reza Abad)	۶۱۴۰۶۴	۳۶۷۳۹۲۵	۲۴۰	۱۸۰×۱۵۰
۳	MS 022	زَرُوش (Zarroush)	۶۰۹۳۲۱	۳۶۶۷۹۰۹	۱۶۴	۱۰۰×۹۰
۴	MS 024	رَم رَمَه ۲ (Rem Remah 2)	۶۱۱۸۸۸	۳۶۶۶۶۳۵	۱۷۰	۱۶۰×۱۵۰
۵	MS 026	شَمَه ور (Shama Ver)	۶۱۰۰۰۳	۳۶۶۶۴۷۵	۱۵۷	۱۶۰×۱۴۰
۶	MS 027	چغَاأهوان (Chogha Ahowan)	۶۱۳۷۵۳	۳۶۷۰۰۷۶	۲۱۵	۵۵۰×۵۰۰
۷	MS 029	چیا گَپ، نُصیر، سید حسن الف / شمالی (Chia Gap, Nozair, North Seyed Hasan)	۶۱۲۳۴۶	۳۶۶۲۳۴۸	۱۷۲	۳۵۰×۳۰۰
۸	MS 029	چیا بُویچگ، عُصیر، سید حسن ب / جنوبی (Chia Boicheg, Ozeir, South Seyed Hasan)	۶۱۲۳۴۶	۳۶۶۲۳۴۸	۱۷۲	۳۵۰×۳۰۰
۹	MS 031	منصورآباد (Mansour Abad)	۶۰۷۵۵۹	۳۶۶۲۸۸۲	۱۴۲	۱۰۰×۷۰
۱۰	MS 032	بهرام آباد (Bahram Abad)	۶۰۷۲۱۰	۳۶۶۲۵۱۶	۱۴۹	۱۰۰×۸۰

ردیف	کد بررسی	آغاز شهرنشینی ۳۱۰۰-۴۰۰۰ پیش از میلاد	شهرنشینی ۳۱۰۰-۲۶۰۰ پیش از میلاد
۱	MS 001	×	×
۲	MS 019	×	
۳	MS 022		×
۴	MS 024	×	×
۵	MS 026		×
۶	MS 027	×	×
۷	MS 028		×
۸	MS 029	×	×
۹	MS 031	×	
۱۰	MS 032	×	

### ▲ جدول شماره ۱. اطلاعات

محوطه‌های شناسایی شده طی  
بررسی سال ۱۳۸۹.

۸۶ نامی باستانی

شماره ۳، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

### جدول شماره ۲. محوطه‌های

شناسایی شده مورد بحث طی بررسی  
سال ۱۳۸۹ و ادوار فرهنگی آن‌ها. ◀

رسوبات رودخانه‌های گاوی و کُنجان چَم تشکیل شده است با این تفاوت که ضخامت و دانه‌بندی رسوبات متفاوت است که خود سیمایی متفاوت با قابلیت‌های متفاوت را پدید آورده است. دیگر حوزه، حوزه «ج» است که در شرقی‌ترین بخش دشت با ارتفاع متغیر ۲۵۰ تا ۴۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد واقع شده است. بخش اعظم این حوزه متشکل از رسوبات درشت‌دانه رودخانه‌های گاوی، کُنجان چَم و چنگوله در کنار شسته شدگی ارتفاعات پیرامون است که به‌همین دلیل سیمایی

متفاوت با سایر حوزه‌های ذکر شده دارد. نیز در این بخش است که برون‌زدهای تپه‌ماهوری سازند کنگلومرای بختیاری که حاوی منابع سرشار سنگ‌های چرت و چخماق است زمینه مناسبی را برای جذب گروه‌های انسانی در دوران پارینه سنگی فراهم آورده است. این بخش از دشت، تنها دارای علف‌زارهای مناسب برای جوامع عشایری است که در اواخر زمستان و اوایل بهار از مناطق دور و نزدیک به منطقه می‌آیند.

### پیشینه مطالعات باستان‌شناسی دشت مهران

اولین باستان‌شناسی که به اهمیت باستان‌شناسی دشت مهران پی‌برده و از آن بازدید به عمل آورد، فرانک هول بود (هول، گفتگوی شخصی ۱۳۸۹). وی در سال ۱۹۷۳ م، زمانی که کوش در لایه‌های دوره انتقالی چغامامی در چغاسفید را انجام داده بود، به طرح فرضیه مهاجرت این مردمان از شرق بین‌النهرین و از طریق دشت مهران پرداخت. در همین راستا و به منظور پاسخ به این فرضیه از دشت مهران بازدید کرد، که به خاطر وجود تجهیزات نظامی و زرهی ناشی از جنگ چند روزه بین ایران و عراق در آن زمان، به ناچار از انجام هرگونه مطالعه‌ای چشم پوشید (Hole 1977:10-21). در همان سال‌ها مرحوم علی محمد خلیلیان به منظور تکمیل پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، محوطه‌های پیش از تاریخ دشت مهران را بررسی کرده و برای اولین بار گاهنگاری نسبی آن‌ها را ارائه داد (خلیلیان ۱۳۵۶: ۳۷۶-۳۷۱). به دلیل جنگ تحمیلی و بقایای انفجاری ناشی از آن، که امروزه نیز در جای‌جای دشت قابل مشاهده است، هرگونه مطالعه باستان‌شناسی در دشت مهران تا سال ۱۳۷۵ متوقف ماند. در این زمان خلیلیان با هدف از سرگیری این مطالعات، برای اولین بار اقدام به بررسی دشت نمود. به دلیل فوت ناگهانی خلیلیان، بررسی‌ها توسط جبرئیل نوکنده ادامه یافت و نهایتاً منجر به شناسایی ۶۲ محوطه باستانی با گستره زمانی از پارینه سنگی قدیم تا اسلامی متأخر شد (خلیلیان ۱۳۷۵: Nokandeh 2010). در نتیجه این بررسی‌ها، محوطه مهم چغاخلامان (چغاگلان) وارد ادبیات شناسی ایران شد (خلیلیان ۱۳۷۸): این محوطه بعدها توسط نوکنده تعیین حریم شد (نوکنده ۱۳۸۱). با عنایت به جالب توجه بودن نتایج بررسی خلیلیان و نوکنده و اهمیت محوطه‌های شناسایی شده، دشت مهران مورد توجه عباس علیزاده نیز قرار گرفت؛ وی تصمیم گرفت که در رأس هیأتی از دانشگاه شیکاگو، پروژه‌ای بلندمدت را برای مطالعه فرایند گذار جوامع جنوب‌غرب ایران از دوران پارینه سنگی به آغاز شهرنشینی تعریف نماید. بدین منظور، طرحی پژوهشی را به سازمان میراث فرهنگی وقت ارائه نموده و خواستار انجام مطالعات باستان‌شناسی دشت مهران شد (علیزاده ۱۳۸۲: ۲۳۰-۲۱۷؛ Alizadeh 2001). این طرح نیز به دلایلی مانند آلوده بودن منطقه به بقایای انفجاری ناشی از دوران جنگ تحمیلی ناکام ماند تا دیگر بار تلاش برای تبیین نقش دشت مهران در باستان‌شناسی خاورمیانه بدون نتیجه به‌مانند. در همین سال‌ها و در قالب یک بررسی نجات‌بخشی، محسن زبیدی منطقه شرقی و حایل بین دشت‌های مهران و دهلران را بررسی کرد و تعدادی محوطه از دوره آغاز نگارش تا دوران تاریخی گزارش نمود (زبیدی ۱۳۸۲: ۱۳۹۱). از دیگر مطالعات انجام شده در دشت مهران، مطالعه مقدماتی فرآیند نوسنگی شدن دشت است که حجت دارابی در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد به آن پرداخته است؛ وی با ارزیابی

متغیرهای آب-هوایی و زیست‌محیطی به بررسی دشت مهران و قابلیت‌های آن برای شکل‌گیری محوطه‌های آغاز نوسنگی پرداخت (دارابی ۱۳۸۷، Darabi & Fazeli 2009). بالاخره، در سال ۱۳۸۹ و از طرف دانشگاه توپینگن آلمان، هیأتی به سرپرستی محسن زیدی کاوش به‌منظور لایه‌نگاری چغاگلان را آغاز نمود. این کاوش در دو فصل ادامه یافت که به شناسایی بیش از ۶ متر نهشته فرهنگی دوران نوسنگی بی‌سفال انجامید. تاریخ‌گذاری نمونه‌های کربن ۱۴ حکایت از وجود گاهی طولانی از حدود اواسط هزاره دهم تا اواخر هزاره هشتم پیش از میلاد دارد (Zeidi et.al, In Press)؛ بررسی و مطالعه این محوطه با هدف انجام رساله‌ی دکترای محسن زیدی ادامه دارد.

### روش و اهداف بررسی

به خاطر جامع و فراگیر نبودن بررسی‌های پیشین در دشت مهران، تصمیم گرفته شد که بار دیگر همه دشت بررسی شده و داشته‌های پیش از تاریخی آن شناسایی و ثبت شوند. بدین منظور با استفاده از توانایی‌های بررسی فشرده، همه دشت مورد بازدید و بررسی قرار گرفت. طی بررسی از نقشه‌های توپوگرافی به منظور ارزیابی نقش عوارض طبیعی در روند شکل‌گیری و تداوم زیست‌گاه، همچنین بررسی همزمان با دقت بیشتر در بخش‌های با پتانسیل بیشتر استفاده شده است.

در کنار نقشه‌های توپوگرافی، از تصاویر گوگل ارث (Google Earth) هم بهره برده شده است. بدین صورت که موقعیت مناطقی که احتمالاً می‌توانست محوطه باشد بر روی این نرم افزار مشخص کرده و پس از وارد کردن مختصات آن به دستگاه GPS بر روی زمین ردیابی و ارزیابی می‌شد. علاوه بر استفاده از نقشه و تصاویر ماهواره ای امروزی، از تصاویر قدیمی دشت مهران که در سال ۱۹۶۹ تصویربرداری شده اند و توسط دانشگاه آرکانزاس (Arkansas) با نام تصاویر ماهواره‌ای کُرنا ارائه شده، نیز بهره برده شده است. مزیت این تصاویر این است که به راحتی می‌توان ریخت‌شناسی دشت قبل از صنعتی و مکانیزه شدن کشاورزی و در پی آن تسطیح اراضی، را بررسی کرد. به منظور ثبت محوطه‌ها از سرواژه‌های مهران (M) و بررسی (S) در کنار شماره محوطه که از ۰۰۱ شروع می‌شود، استفاده شده است. از مزیت این سرواژه و کد این است که از سوئی با کد محوطه های شناسایی شده طی بررسی‌های پیشین دشت هماهنگی داشته و از دیگر سو، به عنوان بخشی از سوزیانای بزرگ، این کدها هماهنگی نسبی را نشان می‌دهند. به دلیل اینکه سفال مهمترین یافته‌ای است که بر اساس آن می‌توان در مورد دوره های مختلف بحث کرد و گاهنگاری محوطه‌های شناسایی شده را ارائه داد، لذا این یافته به عنوان اساس تاریخگذاری نسبی محوطه‌ها قرار گرفته است. بدین منظور سفال-های جمع‌آوری شده طی بررسی با مناطق هم‌جوار ( شوشان، دهلران و بین‌النهرین ) مقایسه و تاریخگذاری شده اند. در پایان و پس از مقایسه سفال‌ها با مناطق ذکر شده، چارچوب زمانی زیست‌گاه در محوطه‌ها مشخص شده و کمیت زیست‌گاه در هر دوره و کیفیت آن نیز تا حدودی بحث شده است. شایان ذکر است که در محوطه‌های با زیست‌گاه اولیه (مانند بی‌سفال، آغاز روستانشینی) به سایر متغیرها از جمله ابزارهای سنگی و پراکندگی آنها نیز توجه شده است.



## چارچوب گاهنگاری مورد استفاده

پیش از معرفی زیست‌گاه‌های شناسایی شده طی بررسی ۱۳۸۹، لازم است در مورد واژه شناسی چارچوب گاهنگاری مورد استفاده در نوشتار کنونی، توضیحی کوتاه داده شود؛ به دلیل گویا نبودن و اجباری بودن مفهوم واژه مس‌سنگی، که با واقعیت توسعه زیست‌گاهی و تطور جوامع پیش از تاریخی جنوب‌غرب ایران بطور اعم و دشت مهران بطور اخص سازگار نیست، ترجیح داده شد که از واژه گانی استفاده شود که با مفهوم مورد نظر ما که همان مطالعه فرایند گذار جوامع از غارنشینی به روستانشینی و سپس شهرنشینی است، سازگاری داشته باشد. بدین منظور و پس از مطالعه یافته‌های جمع‌آوری شده طی بررسی، تصمیم گرفته شد که از واژه مورد استفاده فرانک هول برای ادوار پیش از تاریخ غرب و جنوب‌غرب ایران، که واژگانی به مراتب گویاتر از واژگان تکنولوژیک هستند، استفاده شود. وی در کتاب "باستان‌شناسی غرب ایران" به خوبی مزیت‌های این واژگان را که دارای سازگاری بیشتری با روندهای پیش از تاریخی منطقه می‌باشد، توضیح داده است (هول ۱۳۸۱؛ 29-33; Hole 1987). وی دوران فرهنگی همزمان با آغاز هزاره چهارم پ.م را دوران "پس از روستانشینی" می‌نامد. در این نوشتار و در ادامه روند تطوری تکاملی جوامع پیش از تاریخ جنوب‌غربی ایران، برای ابتدای دوره مورد بحث آغاز شهرنشینی و ادامه آن تا اوایل هزاره سوم پیش از میلاد نیز واژه شهرنشینی پیشنهاد شده است؛ به دلیل اینکه شاید این واژگان برای مخاطب خیلی آشنا نباشند، دیگر واژگان رایج گاهنگاری همزمان نیز آمده است.

## دوره آغاز شهرنشینی

دوره آغاز شهرنشینی یکی از مهمترین دوره‌های پیش از تاریخ جهت درک پیچیدگی‌های جوامع در اواخر پیش از تاریخ است. با مطالعه این دوره می‌توان به درک چگونگی تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره پنجم که تأثیرات شگرفی را بر منطقه داشت، دست یافت. این دوره فرهنگی در گاهنگاری پیشنهادی فرانک هول به عنوان پس از روستانشینی نامگذاری شده است که بازه زمانی حدود ۳۸۰۰-۳۲۰۰ پیش از میلاد را در بر می‌گیرد. اما دیگران از آن با نام‌های مس‌سنگی جدید و اوروک یاد کرده‌اند (Wright and Rothman 2001: 349-402; Rupley 2001: 85-122). همچنین، این دوره همزمان است با گسترش اقتصادی و سیاسی اوروک از جنوب بین‌النهرین که به نام‌های اوروک قدیم، میانه و جدید نامگذاری شده است (Algaze 1993, 2001: 27-84). برای همگونی در واژگان مورد استفاده و نیز تطابق واقعیت‌های باستان‌شناسی پیش از تاریخ منطقه با واژگان مورد استفاده، به نظر می‌رسد استفاده از واژه آغاز شهرنشینی در کنار دیگر واژه‌ها بطور همزمان بصورت مؤثرتری درک ما را از چرایی و چگونگی رخدادهای این برهه زمانی افزایش دهد.

از بین محوطه‌های شناسایی شده طی بررسی، تعداد ۶ محوطه قابل انتساب به این دوره هستند که در ۳ محوطه شواهد مراحل اولیه این دوره و در دیگر محوطه‌ها اواخر این دوره قابل شناسایی است، که قدیمی‌ترین دوره این محوطه‌ها همین دوره مورد بحث است (نقشه شماره ۳). به نظر می‌رسد که در این دوره و برای اولین بار در دشت، می‌توان از وجود یک مرکز با مساحت حدود ۱۵ هکتار سخن گفت. شواهد سطحی و یافته‌های کاوش محوطه چغاآهوان به خوبی

نشانه‌هایی از فرایند تطور به سمت شهرنشینی را که شواهدی از قبیل: مدارک فن مدیریت اداری، معماری منظم و پیچیده، نشانه‌های از تولید انبوه و صنعتی سفال در مقیاس وسیع (تعداد زیاد کوره سفالگری قابل مشاهده بر سطح محوطه شاهد این مدعاست) در کنار احتمال وجود بخش انبار مرتبط با اداری در بخش دیگر محوطه، همه و همه گواه رشد چشمگیر این جوامع و گذارشان به دوران شهرنشینی است. از دیگر یافته‌های سطحی چغآهوان که بسیار مهم است، مهری استامپی است که پیتمن ضمن مقایسه آن با جنوب بین‌النهرین، سبک و نقش آن را به دوره اوروک قدیم نسبت می‌دهد (Pittman 2012, Pers. Comm). نکته جالب توجه در مورد چغآهوان در این دوره، ظهور تفکیک‌سازی کارکردی (Functional segregation) است. برای اولین بار در این دوره چغآهوان به بخش‌های صنعتی در غرب، انبار و کالاگردانی در جنوب، اداری در مرکز و مسکونی روزمره با فعالیت‌های صنعتی خانگی از قبیل پردازش گچ و سایر فعالیت‌های خانگی در شرق و شمال تقسیم می‌شود. بحث در مورد کیفیت این جداسازی نیازمند مقاله‌ای تخصصی و خارج از حوصله نوشتار کنونی است. وجود چنین شواهد متقنی که دال بر وجود جامعه‌ای با سطح بالای پیچیدگی است؛ در کنار این مرکز بسیار بزرگ، همزمان محوطه‌های کوچکی در حاشیه دشت وجود دارند که از نظر کارکردی روستاهایی کوچک و پیرامونی به حساب می‌آیند؛ با نگاهی به الگوهای استقراری همزمان، این الگو به نظر واقعی و قابل قبول می‌رسد.

تاکید هنری رایج بر وجود تجارت قوی بین دهلران و بین‌النهرین در این دوره و آن هم از طریق دشت مهران می‌تواند جوابی منطقی به اندازه بسیار بزرگ چغآهوان باشد (Wright 1981:264-6). بدین معنی که وجود چنین مرکزی در دشت کوچک مهران، به احتمال زیاد در راستای تجارت فرامنطقه‌ای بوده است. به هر حال تنها با کاوش روشمند و گسترده در چغآهوان می‌توان این مهم را مورد کنکاش بیشتر و دقیق‌تر قرار داد.

یافته‌های سطحی محوطه چغآهوان همانند چغآهوان نشان از فعالیت صنعتی در آن محوطه است. در این دوره و برای اولین بار محوطه به اوج گسترش خود که حدود ۱۰ هکتار است، می‌رسد. در بخش جنوب و جنوب‌غرب محوطه شواهدی قوی از تولید سفال، نشانگر اهمیت محوطه در این دوره است. سوختگی‌ها و جوش کوره با تراکم بالا در بخش جنوبی محوطه دلیلی محکم بر تولید انبوه سفال در این دوره است.

از دیگر محوطه‌های که یافته‌های نیمه هزاره چهارم پیش از میلاد را داراست، محوطه چغآگپ (Chia Gap, MS 028) است. این محوطه با بیش از ۱۷ متر ارتفاع، بلندترین محوطه پیش از تاریخی دشت است که بر اساس سفال‌های سطحی، قدیمیترین لایه‌های آن به نیمه هزاره چهارم پ.م بر می‌گردد. به دلیل ساختارهای بزرگ معماری که طی دوران‌های پسین روی این محوطه ایجاد شده، اظهارنظر در مورد لایه‌های مورد بحث با مشکل مواجه است.

سفال‌های مرتبط با آغاز شهرنشینی، سفال‌هایی عمدتاً به رنگ نخودی روشن و مایل به قرمز و با ماده چسباننده گیاهی و یا ماسه بادی هستند. خمره‌های دهانه بسته باز، دیگ‌های بزرگ، کاسه‌های گود، کاسه‌های لبه وارپخته، خمره‌های دهانه بسته و چهار دسته‌ای با نقوش هندسی کم کار و دست‌ساز یا چرخ‌ساز و با خمیره‌ای کم‌ورز داده شده‌اند (تصویر شماره ۱؛ جدول شماره ۳).

## دوران شهرنشینی

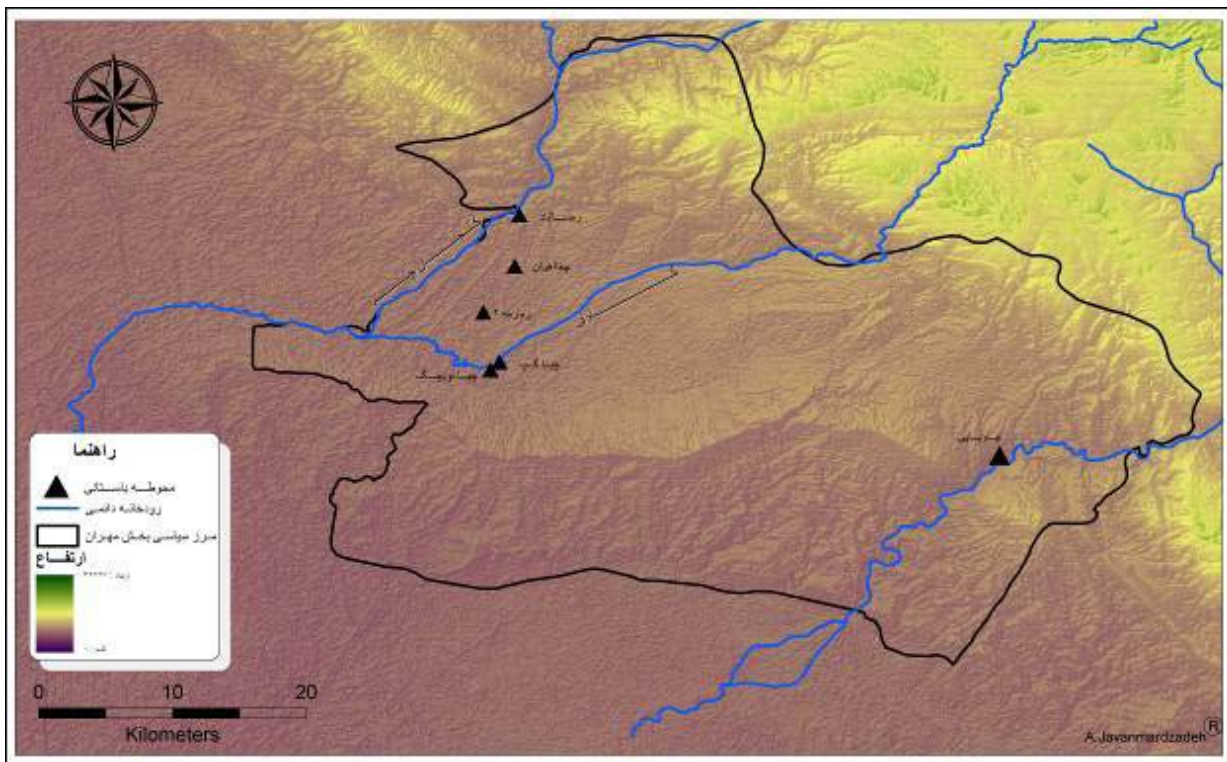
یکی از دوران‌های تاریخ ساز و مهم در زندگی بشر که از آن به عنوان انقلاب هم یاد شده است، دوران شهرنشینی است که برای اولین بار در جنوب غربی ایران و بین‌النهرین رایج شده و با گذشت زمان در سایر مناطق خاورمیانه و نزدیک نیز اتفاق افتاد (مجیدزاده ۱۳۶۸: ۹-۷). این دوره زمانی که اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم پیش از میلاد (حدود ۲۶۰۰-۳۲۰۰) را در می‌گیرد، در منطقه جنوب غربی ایران معرف فرهنگ پروتو ایلامی، در بخشی از غرب ایران و بین‌النهرین، جمدت نصر و در ارتفاعات زاگرس و مرکز فلات ایران با فرهنگ کورا-ارس یا ماوراء قفقاز شناخته می‌شود. در این دوره برای اولین بار در تاریخ شهر تأسیس می‌شود و همه ویژگی‌های آن که چایلد و دیگران به خوبی به آن پرداخته‌اند (مجیدزاده ۱۳۶۸)، به وجود می‌آید.

در دشت مهران هم مانند سایر مناطق جنوب غربی آسیا، در این دوره برای اولین بار محوطه‌های بزرگ با تقسیم‌بندی مربوط به تخصص‌های مختلف شکل می‌گیرند و نشانه‌های از آغاز نوشتار نیز به دست آمده است. مهم‌ترین محوطه شناسایی شده دشت مهران در رابطه با دوره شهرنشینی، چغآهوان است که در این دوره به اوج وسعت خود یعنی حدود ۲۲ هکتار می‌رسد. گسترش ناگهانی محوطه همراه است با ایجاد ساز و کارهای جامعه‌ای پیچیده با نیروی کار متخصص که در پراکندگی معنادر مواد فرهنگی در بخش‌های مختلف محوطه نمود یافته است. دیگر محوطه بزرگ این دوره چغآ بویچگ است که به نظر می‌رسد که با همان وسعت قبلی در این دوره نیز دارای زیست‌گاهی بزرگ است که همانند دوره پیشین دارای شواهد فعالیت صنعتی است.

در مجموع سفال‌های دوره شهرنشینی مهران شباهت کاملی را با آنچه که از بین‌النهرین معرفی شده نشان می‌دهند. این سفال‌ها را می‌توان به دو گروه خشن و ظریف تقسیم کرد. ظروف خشن، به رنگ قهوه‌ای روشن و یا نخودی، با ماده چسباننده گیاهی، دست ساز و بدون هیچ گونه تزیینی می‌باشند؛ این سفال‌ها عمدتاً به شکل خمره‌های بدون دسته و بدنه‌ای ناصاف مشاهده می‌شوند. سفال‌های ظریف نیز عمدتاً با همان فرم‌های ظروف خشن و با خمیره خوب ورز داده شده، ماده چسباننده و با نقوش تک رنگ، دو رنگ و چند-رنگ هندسی و گیاهی دیده می‌شوند (تصویر شماره ۱؛ جدول شماره ۳).

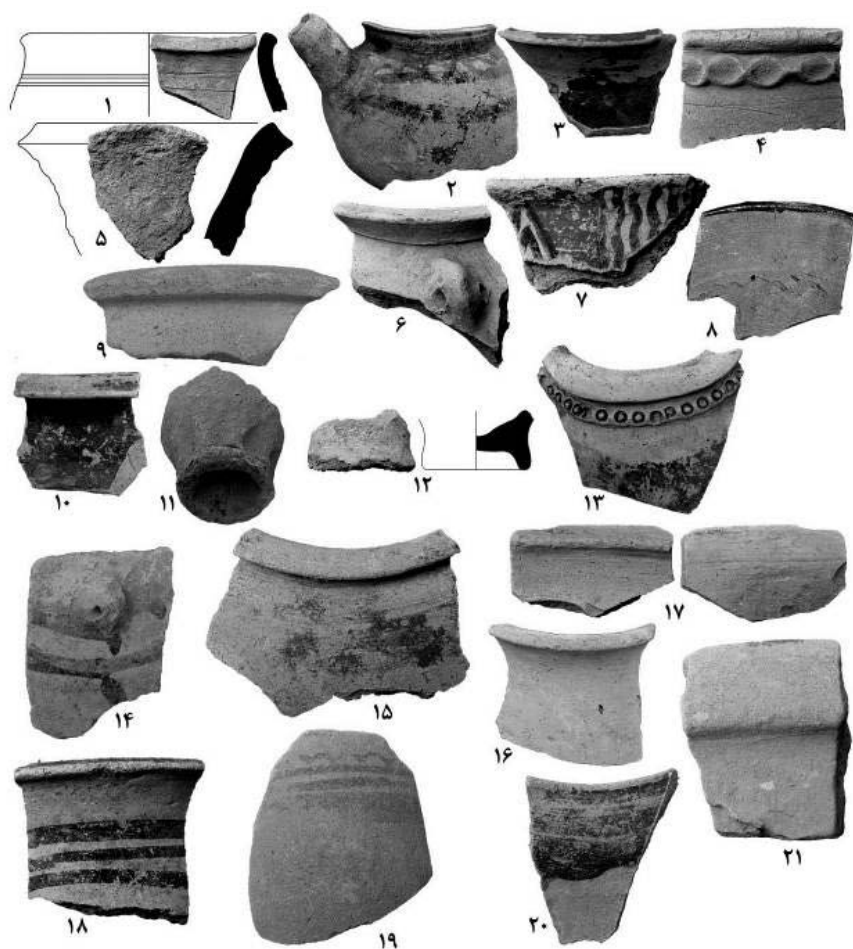
بطور کلی، ۹ محوطه شواهد مرتبط با این بازه زمانی را دارا هستند؛ این محوطه‌ها عبارتند از: چغآهوان، چغآ بویچگ، چیاگپ، بهرام آباد (MS 032, Bahram Abad)، منصورآباد (MS 031, Mansour Abad)، زَرَّوش (MS 022, Zarroush) شَمَه ور (MS 026, Shama Ver)، رِم رَمَه (MS 024, Rem Remah 2) و چَم پاپی (MS 001, Cham-e- Papi) از این تعداد ۴ محوطه از دوره‌های پیش و ۵ محوطه برای اولین بار تأسیس شده‌اند. نکته جالب توجه در مورد محوطه‌های تازه تأسیس این دوره این است که محوطه‌های مذکور همگی در حاشیه دشت و در جاهایی که هیچ زیست‌گاهی از دوره‌های پیش به چشم نمی‌خورد، ایجاد شده‌اند.

محوطه‌های منسوب به این دوره، ۱ محوطه بسیار بزرگ (هکتار ۲۲، MS 027)، یک محوطه بزرگ (هکتار ۱۰، MS 027) و محوطه متوسط (هکتار ۵، MS 028) و بقیه یک هکتار و یا کم‌ترند و جملگی کوچک و حدود ۱ هکتار وسعت و یا کمتر می‌باشند (نقشه شماره ۴؛ جدول شماره ۱).



۹۲ نامی باستانی

▲ نقشه شماره ۳. الگوی پراکندهگی محوطه های دوران آغاز شهرنشینی دشت مهران (منبع: نگارندگان).



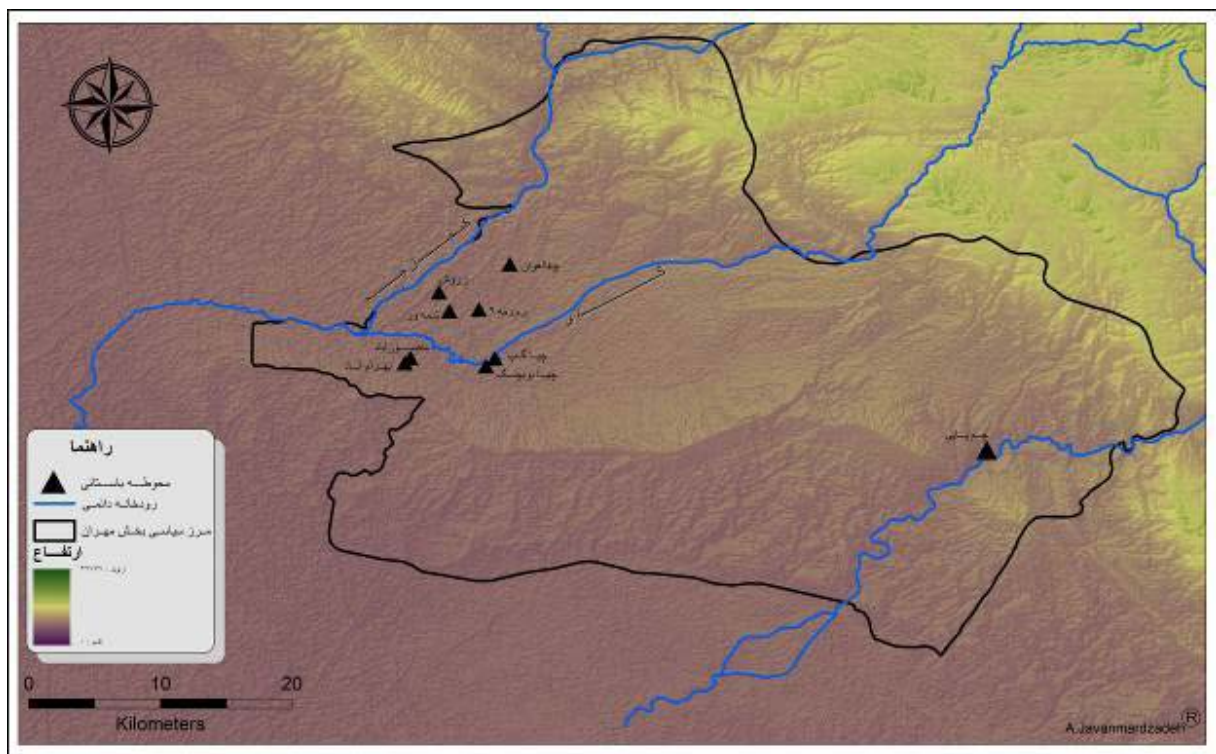
تصویر شماره ۱. نمونه سفال های منسوب به دوران شهرنشینی از دشت مهران (منبع: نگارندگان). ◀



شماره	محوطه	توصیف: نوع قطعه، رنگ، پوشش، ماده چسباننده، پخت	دوره فرهنگی	منبع
۱	MS 027	لبه، تفرار، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی، شیار ریز	شهرنشینی، اواخر هزاره چهارم پ.م	Adams & Nissen 1972: 141, No. 14
۲	MS 027	لبه، تفرار، نخودی مایل به قرمز، نخودی، ماسه بادی، کافی	شهرنشینی، اواخر هزاره چهارم پ.م	—————
۳	MS 027	لبه، خمره، نخودی مایل به قرمز، نخودی، ماسه بادی، کافی	شهرنشینی، اواخر هزاره چهارم پ.م	Matthews 2002: fig. 15
۴	MS 027	لبه، دیگ، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی	شهرنشینی، اواخر هزاره چهارم پ.م	Delougas & Kantor 1996: Pl. 18, No. J
۵	MS 027	لبه، کاسه، قهوه ای روشن، نخودی، گیاهی، کافی	آغاز شهرنشینی، نیمه هزاره چهارم پ.م	Calvet 1991: 171, No.1
۶	MS 027	لبه، خمره، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی	آغاز شهرنشینی، نیمه هزاره چهارم پ.م	Adams & Nissen 1972: 195, No. 21
۷	MS 023	لبه، خمره، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی	شهرنشینی، اواخر هزاره چهارم پ.م	—————
۸	MS 019	لبه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی، نقش کنده موج	آغاز شهرنشینی، اوایل هزاره چهارم پ.م	Calvet 1991: 201, No.163
۹	MS 025	لبه، خمره، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی	آغاز شهرنشینی، اواخر هزاره پنجم پ.م	Wright 1981: Fig. 47:h
۱۰	MS 027	لبه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی	شهرنشینی، اواخر هزاره چهارم پ.م	Matthews 2002: fig. 15
۱۱	MS 019	کف، قرمز، قهوه ای روشن، ماسه بادی، کافی	شهرنشینی، اواخر هزاره چهارم پ.م	—————
۱۲	MS 023	کف، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی	شهرنشینی، اواخر هزاره چهارم پ.م	Adams & Nissen 1972: 119, No. 3
۱۳	MS 023	لبه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی، نقش فشاری	آغاز شهرنشینی، نیمه هزاره چهارم پ.م	Adams & Nissen 1972: 149, No. 8
۱۴	MS 019	بدنه، خمره، قرمز روشن، قرمز روشن، ماسه بادی، کافی	شهرنشینی، اواخر هزاره چهارم پ.م	—————
۱۵	MS 019	لبه، خمره، قرمز روشن، رقیق نخودی، ماسه بادی، کافی	شهرنشینی، اواخر هزاره چهارم پ.م	Matthews 2002: fig. 17, No.2
۱۶	MS 027	لبه، کوزه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی	آغاز شهرنشینی، اوایل هزاره چهارم پ.م	Wright 1981: Fig. 48; Calvet 1991: 183, No.74; Ibid: 189, Fig. 110
۱۷	MS 027	لبه، کاسه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی	آغاز شهرنشینی، اواخر هزاره پنجم پ.م	Calvet 1991: 185, No.83
۱۸	MS 027	لبه، کوزه، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی	آغاز شهرنشینی، نیمه هزاره چهارم پ.م	Wright 1981: Fig. 48
۱۹	MS 019	لبه، کاسه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی	آغاز شهرنشینی، اوایل هزاره چهارم پ.م	Calvet 1991: 201, No.160
۲۰	MS 020	لبه، خمره دهانه بسته، نخودی، نخودی، ماسه بادی، کافی	آغاز شهرنشینی، اواخر هزاره چهارم پ.م	—————
۲۱	MS 019	لبه، کاسه، نخودی مایل به سبز، نخودی مایل به سبز، ماسه بادی، کافی	آغاز شهرنشینی، اواخر هزاره پنجم پ.م	Wright 1981: Fig. 46:h

▲ جدول شماره ۳. کاتالوگ مشخصات سفال‌های دوران آغاز شهرنشینی و شهرنشینی دشت مهران

نقشه شماره ۴. الگوی پراکندگی محوطه های دوران شهرنشینی دشت مهران (منبع: نگارندگان). ▼





## نتیجه گیری

بررسی باستان‌شناسی محوطه‌های پیش از تاریخ دشت مهران به گونه‌ای بسیار چشمگیر، دانش ما را در مورد داشته‌های پیش از تاریخ دشت افزایش داده است؛ با نگاهی به جدول آماری محوطه شناسایی شده مشخص می‌شود که بیش از ۲ برابر تعداد محوطه‌های شناسایی شده بررسی‌های پیشین، طی این بررسی شناسایی و ثبت شده است. این مهم نه فقط از لحاظ تعداد محوطه‌ها، که از لحاظ ادوار شناسایی شده نیز حائز اهمیت است؛ بدین معنی که برای اولین بار دوره‌های از دوران پیش از تاریخ که پیش از آن هیچ شواهدی از آنها شناسایی نشده بود، شناسایی و معرفی می‌شود.

در دوره آغاز شهرنشینی زیست‌گاهها در ۳ محوطه با پیشینه ای از دوران روستانشینی جدید، ادامه می‌یابند که تغییری را نسبت به دوره پیش نشان نمی‌دهد. به نظر می‌رسد تنها تغییر این دوره، افزایش وسعت یکی از زیست‌گاه‌ها (MS 027) از روستایی بزرگ در دوره روستانشینی جدید به یک مرکز بزرگ در این دوره است که همگونی نسبی را با بین‌النهرین و خوزستان نشان می‌دهد. این روند برای دوره شهرنشینی نیز تداوم می‌یابد، با این تفاوت که یکی از محوطه‌های پیشین متروک شده است و چغآهوان به یک مرکز بسیار بزرگ با کارکرد فرامنطقه‌ای تبدیل می‌شود؛ از دیگر محوطه‌ها نیز، یکی از محوطه‌ها هم به محوطه ای بزرگ گسترش می‌یابد؛ در این محوطه شواهد تخصص‌ورزی و تولید سازمان یافته که از ویژگی‌های جوامع آخر هزاره چهارم است، به خوبی دیده می‌شود. ویژگی اصلی محوطه‌های جدید این است که در بخش‌هایی از دشت ایجاد شده‌اند که هیچ مدرکی از دوره‌های پیش از آنها شناسایی نشده است و بستر محیطی این محوطه‌ها دارای قابلیت پایین کشاورزی است. با نگاهی به الگوی پراکنش محوطه‌های دوره شهرنشینی، می‌توان به وجود سلسله مراتب زیست‌گاهی بین محوطه‌های این دوره اشاره کرد. این الگو همانند سایر مناطق هم‌جوار از وجود مراکز بسیار بزرگ و بزرگ با کارکردهای خاص و محوطه‌های متوسط و کوچک با کارکرد محلی و روزمره است.

بررسی کنونی به دلیل آلودگی‌های ناشی از دروه جنگ نتوانست تکمیل شود؛ لذا بخش‌هایی از غرب دشت که هنوز بررسی نشده است، به محض پاکسازی منطقه از هر نوع آلودگی تکمیل خواهد شد. تنها در این صورت است که با قطعیت می‌توان در مورد الگوهای زیست‌گاهی دوران پیش از تاریخ به بحث و نتیجه‌گیری پرداخت. در گام‌های آینده، این پروژه با گمانه‌زنی محوطه‌های رم‌رَمه برای دستیابی به توالی دوران نوسنگی، محوطه چغا بویچگ با هدف دستیابی به توالی دوران روستانشینی قدیم تا شهرنشینی به منظور مقایسه آن با نتایج به دست آمده از لایه نگاری چغآهوان و نهایتاً محوطه چغآهوان در بخش‌های کاوش نشده باید کاوش شود تا بتوان مدارک قوی از دوره آغاز شهرنشینی و شهرنشینی را به دست آورد.

## سپاسگزاری

نگارندگان از اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام به خاطر همکاری‌های فراوان و ایجاد زمینه جهت بررسی، آقای دکتر علیرضا سرداری به خاطر نقطه نظرات سازنده‌شان در بهبود این مقاله، سپاسگزاری می‌نمایند.

## منابع

۱. خلیلیان، علی محمد ۱۳۷۵. پژوهش های باستان شناسی ایلام، گزارش بررسی و شناسایی دشت مهران، آرشیو پژوهشکده باستان شناسی (منتشر نشده).
۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸. "چگا‌خلامان محوطه ای از آغاز نوسنگی در امیرآباد مهران"، در عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده و صادق ملک شه‌میرزادی (به کوشش)، باستان شناسی و هنر ایران: ۳۲ مقاله در بزرگداشت عرت الله نگهبان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص. ۳۶-۴۵.
۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۶. زیست گاههای اولیه در غرب ایران (منطقه زاگرس) از آغاز تا هزاره چهارم قبل از میلاد، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده).
۴. دارابی، حجت ۱۳۸۷. فرایند نوسنگی شدن دشت مهران، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده).
۵. دارابی، حجت؛ امیر بشکنی؛ مانا جامی الاحمدی و اردشیر جوانمردزاده ۱۳۹۱. "بررسی محوطه های پارینه سنگی دشت مهران، ایلام"، پژوهش های باستان شناسی مدرس، سال دوم و سوم، شماره چهارم و پنجم، ۹۰-۱۳۸۹، صص. ۱۴-۳۰.
۶. زیدی، محسن ۱۳۸۲. گزارش بررسی باستان شناسی دشت مهران (بلوک اناران)، آرشیو پژوهشکده باستان شناسی (منتشر نشده).
۷. \_\_\_\_\_، "بررسی باستان شناختی مهران و بلوک اناران در شهرستان دهلران، استان ایلام"، در: نامورنامه (مقاله هایی در پاسداشت یاد مسعود آذر نوش)، حمید فهیمی و کریم علیزاده (به کوشش)، تهران، انتشارات ایران نگار، صص. ۱۶۸-۱۵۷.
۸. علیزاده، عباس ۱۳۸۲. تئوری و عمل در باستان شناسی (با فصل هایی در زیست شناسی تحولی و معرفت شناسی)، تهران. انتشارات ورزشات فرهنگ و ارشاد اسلامی و میراث فرهنگی کشور.
۹. مجیدزاده، یوسف ۱۳۶۸. آغاز شهرنشینی در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰. ملک شه‌میرزادی، صادق ۱۳۸۲. ایران در پیش از تاریخ: از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، چاپ دوم (اول ۱۳۷۸)، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۱. نوکنده، جبرئیل ۱۳۸۱. گزارش گمانه زنی به منظور تعیین حریم چغاگلان شهرستان مهران، آرشیو پژوهشکده باستان شناسی (منتشر نشده).
۱۲. هول، فرانک ۱۳۸۱ (به کوشش). باستان شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت.
13. Adams, R. Mc C., H. Nissen., 1972. The Uruk Countryside: the natural setting of the urban societies, University of Chicago Press.
14. Algaze, G., 1993. Uruk World System, Chicago University Press.
15. \_\_\_\_\_, 2001. "The Prehistory of Imperialism: The case of Uruk Period Mesopotamia ", in: Uruk Mesopotamia and It's Neighbors: cross-cultural interactions in the era of state formation, Edited by Mitchell Rothman, School of American Research Press.
16. Alizadeh, A, 2001. "Investigation into the origins of domestication and states in Iran", In the Oriental Institute 2001-2002 Annual Report, pp. 7-9. Chicago: The Oriental Institute.

17. **Calvet, Y. 1991.** "Un niveau de la periode Uruk a tell el'Oueili", in: 'Oueili Travaux de 1985, Jean-Louis Huot(ed), Editions Recherche SIIr les Civilisations, Paris.
18. **Darabi, H, A. Javanmardzadeh, A. beshkani and M. Jami-Alahmadi, 2012.** "The Paleolithic occupation of the Mehrān Plain, Documenta Prehistorica, XXXIX: 443-451.
19. **Darabi H., Fazeli N. H. 2009.** "The Neolithic of the Mehrān Plain: an introduction", Antiquity 83:322, Project Gallery.
20. **Delougas, P, and H. Kantor 1996.** Choghā Mish, edited by Abbas Alizadeh, Oriental Institute Press, University of Chicago Press, Vol. I.
21. **Hole, F, (ed). 1987.** Archaeology of Western Iran, Smithsonian Press, USA.
22. \_\_\_\_\_, 1977. Studies in the Archaeological History of the Deh Luran Plain: The Excavation of Choghā Sefid. Memoirs of the Museum of Anthropology 9. Ann Arbor: University of Michigan.
23. **Javanmardzadeh, A, and H. Darabi, In Press.** "The Archaeological Project of the Mehrān Plain", Proceedings of the 8th ICAANE, Warsaw, Poland.
24. **Kouchoukos, N, 1998.** Landscape and Social Change in Late Prehistoric Mesopotamia, Yale University, USA.
25. **Mathews, R., 2002.** Secrete of the dark Mound: Jemdet Nasr 1926-1928, British School of Archaeology in Iraq.
26. **Moghaddam, A, 2012.** Later Village Period Settlement Development in the Karun River Basin, Upper Khuzestan Plain, Greater Susiana, Iran, BAR International series.
27. **Moghaddam, A, and N. Miri 2003.** "Archaeological Research in the Mianab Plain of Lowland Susiana, South-Western Iran, Iran, Vol. 41 (2003), pp. 99-137.
28. **Nokandeh, J. 2010.** "Archaeological survey in the Mehrān plain, South western Iran", in: Proceedings of the 6th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East, Vol. II, edited by: Paolo Matthiae, Frances Pinnock, Lorenzo Nigro and Nicolò Marchetti, Sapienza" - Università di Roma.
29. **Rothman, M., 2001,**"The Tigris Piedmont, Eastern Jazira and Highland western Iran in the Fourth Millennium B.C", in: Uruk Mesopotamia and It's Neighbors: cross-cultural interactions in the era of state formation, Edited by Mitchell Rothman, School of American Research Press.
30. **Wright, H., 1981.** An Early Town on the Deh Luran Plain: Excavation at Tepe Farukh Abad, Memoirs of the Museum of Anthropology 13. Ann Arbor: University of Michigan.
31. **Wright, H.T., and S.A., Rupley 2001,**"Calibrated Radiocarbon age Determination of Uruk-Related Assemblages, in: Uruk Mesopotamia and It's Neighbors: cross-cultural interactions in the era of state formation, Edited by Mitchell Rothman, School of American Research Press.
32. **Zeidi Kulhparacheh, M.; S. Riehl and N. Conard, In Press.**" New Excavation Result from Choghā Golan: A PPN site in the Zagros region of western Iran, Proceedings of the 8th ICAANE, Warsaw, Poland,

---

## The Archaeological Project of the Mehrān Plain: The Survey of the Initial Urbanization and Urbanization Settlements

---

**Ardehir Javanmardzadeh**

Ph.D. Candidate, University of Tehran; Dept. Archaeology, Razi university of  
Kermanshah

Ardashir.javanmard@gmail.com

**Dr. Hojjat Darabi**

Dept. Archaeology, Razi university of Kermanshah

### Abstract

During the March of 2010, the archaeological survey of the Mehrān Plain aiming to review the previous surveys, identifying and recording the Prehistoric sites was carried out. The main question and aim of the survey was to identify and mapping of the Prehistoric sites and to survey and analysis their distribution pattern making the suitable condition for more precise and extensive archaeological investigations. As expected, however, the prehistoric potential was great and high, as 36 sites, including open-air site, Rock-shelter and Mound were identified and recorded; of them, 15 sites were attributed to the Prehistoric times( Pre-Pottery Neolithic to the Urbanization Period) of which, the Initial Urbanization and Urbanization sites being discussed. Generally, 6 sites are attributed to the Initial Urbanization and 9 sites to the Urbanization Period. The undertaken investigations have revealed the strong interaction with the Prehistoric societies of the Khuzestan, Deh Luran and Mesopotamia. The settlement pattern of the sites by the Initial Urbanization has proved the existence of big center for the first time on the Plain. The identified sites have contains strong evidence on the mass production, craft specialization and highly-organized societies by the time. This article will introduce the sites attributed to the Initial Urbanization and Urbanization Periods, meanwhile their main characteristic, distribution pattern and function has been noticed. Finally, by studying and assessing of the identified sites, some directions and notes aiming to do more accurate investigations in the near future have proposed.

### Key words:

Archaeological Survey, Mehrān Plain, Initial Urbanization  
Period, Urbanization Period, Settlement pattern